

از منظر حقوق مدنه و حقوق بين الملل

آنچه روزنامه نگاران بايد در حوزه شکنجه
وسوء رفتار پليس عليه کودکان بدانند.





مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

از منظر حقوق مدنه و حقوق بين الملل

**آنچه روزنامه نگاران بايد در حوزه شکنجه و
سوء رفتار پليس عليه کودکان بدانند.**

مقدمه

پیش از ورود به مساله شکنجه و سوءرفتار پلیس در مواجهه با متهمان از جمله متهمان کودک، باید به این پرسش پاسخ داد که چرا «روزنامه نگاران» مرکز ثقل پروژه ترویجی «عدالت برای کودکان و نوجوانان» شده‌اند؟ رسانه‌ها مهمترین راه‌های ارتباطی میان ترویج‌گران و مردم، ذی‌نفعان و مسئولین، بوده و هستند ولی این تنها دلیلی نیست که نقش روزنامه‌نگاران در پروژه‌های ترویجی را مهم می‌سازد بلکه رسالت روزنامه‌نگاری و ماموریتی که براساس قواعد و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی به رسانه‌ها واگذار شده، ما را بر آن داشت تا در آغاز، این رسالت را به روزنامه‌نگاران یادآوری و حمایت آنها را به نفع کودکان و نوجوانان جلب کنیم.

دولت‌ها، بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی موظف‌اند:

- رسانه‌های جمعی را در جهت حصول اطمینان از دسترسی نوجوانان به اطلاعات و مطالب اطلاعاتی از منافع مختلف ملی و بین‌المللی تشویق کنند.
- رسانه‌های جمعی را در جهت ترسیم سهم مثبت نوجوانان در اجتماع تشویق کنند.
- رسانه‌های جمعی را در جهت نشر اطلاعات در زمینه خدمات، تسهیلات و فرصت‌های موجود در اجتماع برای نوجوانان تشویق کنند.
- رسانه‌های جمعی را به طور اعم و تلویزیون و رسانه‌های تصویری را به طور اخص، در جهت کاهش ارائه مطالب مبتذل، مواد مخدر و خشونت تشویق کنند و از آنها بخواهند جنبه‌های منفی خشونت و بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان را به نمایش بگذارند و همچنین از انتشار موضوعات تحقیرآمیز و توهین‌آمیز، بویژه در رابطه با کودکان و زنان پرهیز کنند و نسبت به ترویج اصول در روابط بین افراد و تساوی حقوق تشویق کنند.
- رسانه‌های جمعی باید از نقش و مسئولیت گسترده اجتماعی خود و همچنین تاثیر آن در پیام‌رسانی‌های مربوط به اعتیاد نوجوانان به مواد مخدر و الکل، آگاه باشند.

تشویق نمودن
رسانه‌های جمعی به
کاهش مطالب مبتذل،
خشونت‌آمیز و تحقیرآمیز
به خصوص در مورد
کودکان و زنان

تشویق نمودن
رسانه‌های جمعی به
دسترسی دادن منابع
اطلاعاتی به
نوجوانان

تشویق نمودن
رسانه‌های جمعی به
نشر اطلاعات در زمینه
خدمات و تسهیلات به
نوجوانان

تشویق نمودن
رسانه‌های جمعی به
آگاهی‌سازی نوجوانان
در مورد مضرات اعتیاد
به مواد مخدر و
الکل

تشویق نمودن
رسانه‌های جمعی به
ترسیم مثبت نوجوانان
در جامعه



مجلس شورای اسلامی در جریان تصویب **قانون حمایت از اطفال و نوجوانان** (سال ۱۳۹۹) رسانه‌های جمعی را به سازمان صدا و سیما، تقلیل داده و وظایفی به این شرح برای این سازمان، در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان، تعیین کرده که باید اجرایی شود:

- ۱- تولید و پخش برنامه‌های منظم برای بالابردن سطح اطلاعات عموم مردم در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان؛
- ۲- طراحی و ایجاد نظام رده‌های سنی و محتوایی آثار و محصولات صدا و سیما در برنامه‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان؛
- ۳- همکاری با سایر نهادها و دستگاه‌های مندرج در این قانون برای تولید آثار و برنامه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی جهت تحقق اهداف این قانون؛
- ۴- جلوگیری از تولید، پخش یا تبلیغ هر برنامه یا محصول مضر به سلامت، تربیت، اخلاق، یا سایر حقوق اطفال یا نوجوانان؛
- ۵- تدوین و اجرای ضمانت اجراهای اداری و انضباطی برای تهیه کنندگان، مجریان و دست‌اندرکاران تولید و پخش برنامه‌های صدا و سیما در راستای اجرای این قانون.

از این منظر، تلاش ما بر این است تا در این پروژه ترویجی، همکاری روزنامه نگاران را در افزایش عدالت برای کودکان و نوجوانان جلب و با تبادل تجربه و دانش میان روزنامه نگاران، راه‌های کاهش خشونت علیه کودکان و سوءرفتار پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان را به بحث بگذاریم.



نوجوان کیست و محرومیت از آزادی یعنی چی؟

- نوجوان به هر شخصی زیر سن ۱۸ سال اطلاق می‌شود.
- محرومیت از آزادی، به معنای هرگونه بازداشت یا حبس یا قرار دادن شخص در محیط بازداشتی دولتی یا خصوصی است که شخص، به موجب حکم هرگونه مرجع قضایی، اجرایی یا مرجع دولتی دیگر، مجاز به ترک ارادی آن نمی‌باشد.

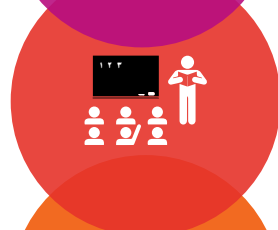
شرایط محرومیت از آزادی نوجوانان

مطابق با استانداردهای بین‌المللی، نوجوانان نباید از آزادی محروم شوند و در دوره محرومیت باید از حقوقی برخوردار باشند. کنوانسیون‌های بین‌المللی این شرایط را اینگونه تشریح کرده‌اند:

- محرومیت از آزادی باید تحت شرایطی انجام پذیرد که احترام به حقوق انسانی نوجوانان، تضمین شود.
- حق نوجوانان تحت بازداشت در بازداشتگاهها، برای بهره‌مندی از فعالیت‌ها و برنامه‌های هدفمند در جهت ارتقا و حفظ تندرستی و عزت نفس آنان، پرورش حس مسئولیت‌پذیری و تشویق منش‌ها و مهارت‌هایی که آنان را در پرورش نیروهای بالقوه خود، به عنوان اعضای اجتماعی یاری می‌نماید، باید تضمین گردد.
- نوجوانان محروم از آزادی، نباید به هیچ دلیل در رابطه با موقعیت خود از حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی که به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی نسبت به آن ذیحق بوده و مغایر با محرومیت از آزادی نمی‌باشد، محروم گردند.
- حراست از حقوق فردی نوجوانان با توجه خاص به قانونی بودن نحوه اجرای بازداشت باید توسط مرجع ذیصلاح تضمین شود.
- شرایط بازرسی‌های مستمر و سایر اقدامات نظارتی بر طبق معیارهای بین‌المللی و قوانین و مقررات ملی، توسط مرجع قانونی دارای اختیار بازدید از نوجوانان و غیر وابسته به مرکز نگهداری، باید تامین گردد.
- بازداشت نوجوانان باید فقط تحت شرایطی صورت گیرد که نیازهای خاص، موقعیت و احتیاجات ویژه آنان بر طبق سن، شخصیت، جنس و نوع جرم و همچنین سلامت جسمانی و روانی آنان به صورت کامل مورد توجه قرار گیرد و از حمایت آنان در برابر تأثیرات زیان‌بخش و موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، اطمینان حاصل گردد.
- تفکیک رده‌های مختلف نوجوانان محروم از آزادی، باید در بازداشتگاهها اعمال شود، به طوری که تامین‌کننده نیازهای خاص افراد مورد نظر و حفظ حرمت و سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی آنان باشد.



تضمین احترام به حقوق
انسانی نوجوانان هنگام
بازداشت



بهره‌مندی از فعالیت‌ها
و برنامه‌های هدفمند



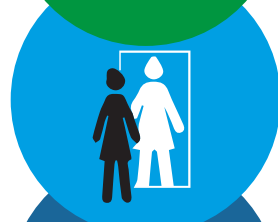
محروم نکردن نوجوانان از
حقوق مدنی، اقتصادی،
سیاسی و اجتماعی



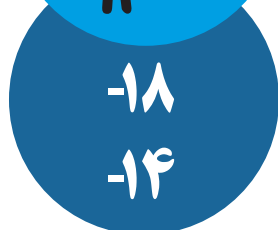
حراست از حقوق فردی
نوجوانان و قانونی بودن
نحوه بازداشت



بازرسی و اقدامات
نظارتی بر طبق قوانین
بین‌المللی



در نظر گرفتن نیازهای
خاص نوجوانان مطابق با
شرایط شخصی آنها

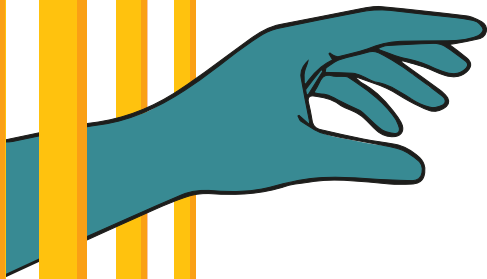


تفکیک رده‌های مختلف
نوجوانان در بازداشتگاه‌ها

محدودیت های بکارگیری وسایل در بند کشیدن و توسل به زور

نحوه بازداشت نوجوانان باید متناسب با سن و سال آنها باشد و نمی‌توان با ابزاری که بزرگسالان بازداشت می‌شوند نسبت به سلب آزادی نوجوانان متوسل شد. کنوانسیون‌های بین‌المللی محدودیت‌هایی در استفاده از ابزارهای بازداشت و توسل به زور به این شرح قائل شده است:

- استفاده از وسایل در بند کشیدن و کاربرد زور به هر منظور، مگر در موارد خاص، ممنوع است.
- استفاده از وسایل در بند کشیدن و اعمال زور فقط می‌تواند در موارد استثنایی که کلیه روش‌های دیگر کنترل، ناموفق بوده و فقط براساس تجویز و تصریح قوانین و مقررات به کار برده شود.
- وسایل مذکور نباید موجب سرشکستگی و تحقیر گردند، و باید به صورت محدود و فقط برای کوتاه‌ترین زمان ممکن به کار برده شوند. بنا به دستور مدیر تشکیلات، چنین ابزارهایی می‌تواند به منظور جلوگیری نوجوان از آسیب‌زدن به خود، آسیب‌زدن به دیگران یا تخریب شدید اموال به کار برده شود، در اینگونه موارد مدیر باید بی‌درنگ با کارکنان پزشکی و سایر متخصصان مربوطه، مشاوره نموده و مراتب را به مرجع اجرایی مافوق گزارش نمایند.
- حمل و استفاده از هرگونه اسلحه توسط کارکنان، باید در هر مرکز نگهداری نوجوانان، ممنوع باشد.



شکجه

تعریف شکنجه

شکنجه مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. قانون اساسی در **اصل سی و هشتم** آورده است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگند، فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». این اصل اما به دلیل تصویب نشدن قانون منع شکنجه مغفول مانده است.

هنوز قانون منع شکنجه در جمهوری اسلامی ایران به تصویب نرسیده، تنها تعریف موجود همانی است که در قانون مجازات اسلامی آمده است. در **ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی** آمده است: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی أخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید». بنابراین برای تعریف دقیق تر شکنجه باید به تعریف بین‌المللی آن مراجعه کنیم.

براساس ماده **یک کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه** «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود».

اعمال شکنجه به مثابه عمل مجرمانه

اگر چه قانون منع شکنجه هنوز به تصویب نرسیده اما براساس اصل **۳۸ قانون اساسی** و ماده **۵۷۸ قانون مجازات اسلامی**، اعمال شکنجه، اقدامی مجرمانه است و شکنجه‌گر باید تحت تعقیب قرار گیرد. ماده **۵۷۸ قانون مجازات اسلامی** تصریح دارد: «هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی، برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را آزار و اذیت بدنی



نماید، علاوه بر قصاص به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه در این خصوص کسی دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم می‌شود و اگر متهم به واسطه آزار و اذیت فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت». قانون‌گذار در این ماده قانونی، شکنجه را به آزار و اذیت بدنی تقلیل داده و برخلاف قانون اساسی و کنوانسیون منع شکنجه، آزار و اذیت روحی را در زمره شکنجه قرار نداده است.

براساس ماده ۲۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نیز هر یک از مسئولان یا کارکنان نهادهای حکومتی یا دستگاههای اجرائی که از انجام وظایف مقرر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، امتناع کند به انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

مصادیق شکنجه

از آنجا که قانون منع شکنجه هیچ‌گاه به تصویب نرسیده، بنابراین مصادیق آن نیز در قوانین داخلی تعیین نشده است. تنها مواردی که در طرح «منع شکنجه»، توسط نمایندگان مجلس ششم ارائه شده را می‌توان مصادیق شکنجه دانست. این مصادیق در طرح منع شکنجه آمده و در صحن مجلس نیز تصویب شد ولی به تایید شورای نگهبان نرسید که به این شرح‌اند:

- ۱- هرگونه اذیت یا آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن؛
- ۲- نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی؛
- ۳- چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه؛
- ۴- بازجویی در شب؛
- ۵- بی‌خوابی دادن به زندانی؛
- ۶- انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می‌شود؛
- ۷- فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی در حین بازجویی یا غیر آن؛
- ۸- استفاده از داروهای روان‌گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان مریض؛
- ۹- محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات درمانی ضروری؛
- ۱۰- نگهداری زندانی در محل‌هایی با سر و صدای آزاردهنده؛
- ۱۱- گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی و عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از استفاده از امکانات مناسب بهداشتی؛

۱۲- عدم طبقه بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک؛

۱۳- جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی؛

۱۴- ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور؛

۱۵- ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی با خانواده اش؛

۱۶- فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضاء خانواده زندانی؛

۱۷- ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود؛

۱۸- ممانعت از انجام فرائض مذهبی.

حبس زندانیان در «سلول انفرادی» به عنوان مصداق شکنجه در ایران پذیرفته شده است. دکتر ناصر کاتوزیان از حقوقدانان شناخته شده ایران، می‌گوید: «بازداشت در سلول انفرادی از مصادیق بارز شکنجه است». محمد علی اسفغانی، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس نهم نیز از دستور رهبر ایران به شورای نگهبان مبنی بر شکنجه بودن زندان انفرادی خبر داده و گفته: «مقام معظم رهبری به تازگی فتوایی به شورای نگهبان داده‌اند که حبس در سلول انفرادی شکنجه است. به همین دلیل، اگر حکمی مبنی بر این صادر شود، مصداق عملی غیرقانونی است».

ممنوعیت شکنجه کودکان

کنوانسیون حقوق کودک شکنجه کودکان را ممنوع دانسته است. براساس ماده ۳۷ این کنوانسیون، دولت‌ها مکلف‌اند زمینه اجرای این قانون را برای جلوگیری از شکنجه کودکان فراهم کنند. این کنوانسیون می‌گوید:

- هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد.
- مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد.
- هیچ کودکی نباید به‌طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن مورد استفاده قرار گیرد.
- با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت، بنحوی که نیازهای متناسب با سن وی در نظر گرفته شود.

- کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند، مگر اینکه این امر مغایر مصالح کودک باشد.
- کودک جز در شرایط استثنایی حق دارد با خانواده خود از طریق نامه و ملاقات تماس گیرد.
- هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در اینگونه موارد برخوردار باشد.

هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی قرار گیرد.



اعدام و یا حبس ابد را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد.



هیچ کودکی نباید به‌طور غیرقانونی و خودسرانه دستگیر، بازداشت و زندانی شود.



با کودک زندانی باید رفتاری انسانی و توأم با احترام و توجه به نیازهای سن وی داشت.



کودک زندانی حق ارتباط با خانواده خود و حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی را دارد.



ممنوعیت سوءرفتار پلیس
(اعمال خشونت آمیز)
در مواجهه با متهمان به ویژه کودکان

ضرورت تشکیل پلیس کودکان

براساس قوانین و مقررات بین‌المللی^۱ به منظور انجام بهینه وظایف خود، ماموران انتظامی که غالباً یا منحصر در رابطه با نوجوانان فعالیت نموده و عمدتاً در امر پیشگیری از جرایم نوجوانان اشتغال دارند تعلیمات و آموزش ویژه دریافت خواهند کرد. در شهرهای بزرگ باید واحدهای ویژه پلیس بدین منظور تشکیل شود.

توجه به نیاز آموزش تخصصی کلیه ماموران مجری قانون، که در رابطه با اداره دادرسی نوجوانان فعالیت می‌کنند، جلب شده است. از آنجا که نیروی انتظامی اولین مرحله برخورد نوجوانان با نظام قضایی می‌باشد رفتار هوشمندانه و مناسب ماموران این نیرو از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در عین حال که رابطه بین شهرنشینی و جرم بسیار پیچیده است، افزایش جرایم نوجوانان با رشد شهرهای بزرگ، بویژه با رشد سریع و برنامه‌ریزی شده ارتباط داده شده است. از این رو، واحدهای تخصصی نیروی انتظامی، نه تنها در جهت اجرای اصول مشخص مصرح در کنوانسیون‌های بین‌المللی، بلکه از جنبه کلی‌تر برای بهبود پیشگیری و مهار جرایم نوجوانان و رفتار با بزهکاران نوجوان، ضروری می‌باشد.

حرمت بازداشت کودکان

خطر «آلودگی به بزهکاری» برای نوجوان طی مدت بازداشت موقت نباید ناچیز انگاشته شود. لذا بر لزوم اقدامات جایگزین باید تأکید گردد. از این طریق، در قاعده تدبیر اقدامات جدید و مبتکرانه به منظور اجتناب از اینگونه بازداشت در جهت مصالح نوجوان تشویق گردیده است. نوجوانان تحت بازداشت موقت حق بهره‌مند شدن از کلیه حقوق و تضمینات، «حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان» و همچنین «معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به ویژه مواد ۹ و ۱۰ بندهای ۲ و ۳ را دارند.

مفاد این قاعده مانع از این نمی‌شود که دولت‌ها در برابر تأثیرات منفی مجرمان بزرگسال اقدامات دیگری را که دارای کارایی یکسانی با اقدامات تصریح شده در این قاعده باشند، اتخاذ نکنند. به منظور جلب توجه به دامنه گسترده نیازهای خاص جوانان تحت بازداشت، (مثلاً دختران یا پسران، معتادان به مواد مخدر، معتادان به الکل، نوجوانان مبتلا به بیماری‌های روانی، جوانانی که از ضربه روحی برای مثال ناشی از بازداشت، و غیره رنج می‌برند) انواع مختلف مساعدت‌هایی که امکان دارد لازم گردد برشمرده شده است.

۱ - مجموعه مقررات بین‌المللی ویژه نوجوانان مدون شده توسط صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف

بنابراین توجه به این قوانین بین‌المللی ضروری است:

- بازداشت موقت به عنوان آخرین راه‌حل و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن به کار گرفته شود.
- در موارد امکان، اقدامات جایگزین، از قبیل نظارت مستقیم، مراقبت دقیق یا نگهداری در یک خانواده یا محیط آموزشی یا خانه، به جای بازداشت موقت، به کار گرفته شود.
- نوجوانان تحت بازداشت موقت، از کلیه حقوق و تضمینات «حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان» مصوب سازمان ملل متحد باید بهره‌مند باشند.
- نوجوانان تحت بازداشت موقت، جدا از بزرگسالان نگهداری شده، یا در واحدی مستقل در بازداشتگاه بزرگسالان نگهداری شوند.
- نوجوانان طی مدت بازداشت از مراقبت، حمایت و کلیه کمک‌های لازم فردی، اجتماعی، آموزشی، تخصصی، روانی، پزشکی و جسمانی که بنا به اقتضای سن، جنس و شخصیت آنان می‌باشد برخوردار باشند.

نوجوانان و حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان

حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان، در زمره نخستین اسنادی است که توسط سازمان ملل متحد رسماً منتشر شده است. اگرچه هنوز در بعضی از کشورها، اجرای این مقررات بیشتر



در حد آرمان است تا واقعیت، با این حال «حداقل مقررات استاندارد» همچنان تاثیر مهمی در اداره انسانی و منصفانه نهادهای اصلاحی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان، حاوی برخی حمایت‌های اساسی در برگیرنده بزهکاران نوجوان در موسسات (محل سکونت، معماری، بستر، پوشاک، شکایات و درخواست‌ها، تماس با دنیای خارج، خوراک، مراقبت‌های پزشکی، مراسم عبادی، تفکیک سنین، کارکنان، اشتغال به کار و غیره) و همچنین مفاد مربوط به مجازات و انضباط، و اعمال محدودیت در مورد بزهکاران خطرناک می‌باشد.

مفاد قوانین بین‌المللی مصرح در ضرورت رعایت حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان به این شرح است:

- حداقل مقررات استاندارد رفتار با زندانیان و توصیه‌های مربوطه تا آنجا که به رفتار با بزهکاران نوجوان در موسسات، از جمله طی دوران بازداشت پیش از محاکمه، مربوط می‌شود، باید اجرا شود.
- اصول مربوطه در مقررات استاندارد رفتار با زندانیان در گسترده‌ترین حد ممکن، به منظور تامین نیازهای گوناگون نوجوانان در رابطه با سن، جنس، و شخصیت آنان به اجرا گذارده شود و به عنوان حداقل‌های لازم در نظر گرفته شود.

خشونت علیه کودکان و کودک‌آزاری را به کدام سازمان گزارش کنیم؟

سامانه ۱۲۳ وابسته به سازمان بهزیستی ایران، مأموریت‌اش دریافت گزارش‌های فوری درباره کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان و مداخلی آنی است. علاوه بر سامانه ۱۲۳، می‌توان به پلیس ۱۱۰ یا کلانتری محل نیز موارد کودک‌آزاری را گزارش کرد و انتظار مداخله فوری پلیس کودکان را داشت چرا که پیشگیری از وقوع جرم در ردیف وظایف پلیس ایران است.

اعدام و شکنجه کودکان در ایران

برخلاف نص صریح کنوانسیون حقوق کودک، اعدام کودکان در ایران هنوز متوقف نشده است. اگرچه دستگاه قضایی معمولاً اعدام کودکان را تا زمان رسیدن سن آنها به ۱۸ سال به تعویق می‌اندازد، ولی گزارش‌های بین‌المللی حاکی است که ۲۵ درصد اعدام کودکان در ایران طی سال‌های گذشته، قبل از رسیدن سن کودکان به ۱۸ سالگی، صورت گرفته است. این گزارش می‌افزاید: «زندانیان نوجوان غالباً از رفتار خشن در نظام قضائی رنج می‌برند. اکثریت زندانیان نوجوان در ایران، اعترافات اجباری به ضرب

شکنجه، فقدان دسترسی به وکیل مدافع، هم‌بندی با زندانیان بزرگ‌سال در زندان‌های کشور و شکنجه روحی ناشی از ناآگاهی از سرنوشت خویش، را تجربه کرده‌اند».

سن مسئولیت کیفری

مطابق کنوانسیون حقوق کودک، سن مسئولیت کیفری نباید کمتر از ۱۸ سال، لحاظ شود. ضمن اینکه اعداد کودکان و مجازات حبس ابد زیر این سن، باید کامل ملغی شود. براساس این کنوانسیون، دولت‌های عضو باید تلاش کنند تا سن ۱۸ سال به عنوان سن مسئولیت کیفری در قوانین داخلی به رسمیت شناخته شود، تعهدی که ایران هنوز به آن عمل نکرده و کماکان سن بلوغ شرعی را مساوی سن مسئولیت کیفری تلقی می‌کند.

وظیفه پلیس ایران برای حمایت از کودکان و نوجوانان

مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب مجلس شورای اسلامی، نیروی انتظامی مکلف به تشکیل «پلیس کودکان» است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف است:

۱- نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان، حسب مورد.

برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور یا مراجع قضائی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط اقدام کند.

۲- در ماموریت‌های مددکاران اجتماعی و انجام وظایف محوله در اجرای این قانون، حسب تقاضا جهت تأمین امنیت آنان و نیز اطفال و نوجوانان موضوع ماموریت، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد.

۳- وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و جرایم علیه اطفال و نوجوانان بزه‌دیده را حسب مورد به مراجع ذی صلاح قضائی و سازمان بهزیستی کشور گزارش نماید.

وظیفه پلیس ایران برای حمایت از کودکان و نوجوانان

مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب مجلس شورای اسلامی، نیروی انتظامی مکلف به تشکیل «پلیس کودکان» است. نیروی انتظامی از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف است:



۱ نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره آمیز، نیروی انتظامی هنگام مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه، با انجام حمایت های مورد نیاز براساس قوانین مرتبط اقدام کند.

۲ در ماموریت های مددکاران اجتماعی و انجام وظایف محوله در اجرای این قانون، حسب تقاضا جهت تأمین امنیت آنان و نیز اطفال و نوجوانان موضوع ماموریت، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد.

۳ وضعیت های مخاطره آمیز و جرایم علیه اطفال و نوجوانان بزه دیده را حسب مورد به مراجع ذی صلاح قضائی و سازمان بهزیستی کشور گزارش نماید.

وظایف عمومی نیروی انتظامی

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، این نهاد را ضابط قوه قضاییه معرفی و وظایف آن را اینگونه برشمرده است:

- (الف) مبارزه با مواد مخدر؛
- (ب) مبارزه با قاچاق؛
- (ج) مبارزه با منکرات و فساد؛
- (د) پیشگیری از وقوع جرم؛
- (ه) کشف جرایم؛
- (و) بازرسی و تحقیق؛
- (ز) حفظ آثار و دلایل جرم؛
- (ط) اجرا و ابلاغ احکام قضایی؛
- (ح) دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها؛

این قانون همچنین انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم را نیز از جمله وظایف نیروی انتظامی اعلام کرده است. اگرچه در این قانون به طور مشخص به جرایم کودکان نپرداخته، ولی براساس مفاد این ماده قانونی مهمترین وظیفه پلیس در خصوص کودکان و نوجوانان «پیشگیری از وقوع جرم» است. در واقع حفاظت از کودکان و نوجوانان به طوری که در معرض وقوع جرم قرار نگیرند از جمله وظایف سازمانی نیروی انتظامی است.

«تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان»، «تامین امنیت مددکاران اجتماعی» و «شناسایی و معرفی متهمان خشونت علیه کودکان به مراجع قضایی» دیگر وظایفی است که نیروی انتظامی طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بر عهده دارد.

آیا سوء رفتار پلیس را می توان گزارش کرد؟ مرجع رسیدگی کیست؟

سامانه بازرسی ناجا با شماره ۱۹۷ مرجع دریافت گزارش سوء رفتار پلیس و مداخله است. این سامانه زیر نظر فرماندهی نیروی انتظامی فعالیت می کند و وظیفه آن رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروی انتظامی است. پس در صورت مشاهده سوء رفتار پلیس، مورد را بلافاصله از طریق شماره ۱۹۷ با ذکر جزئیات گزارش کنید.

سوء رفتار پلیس می تواند شامل این موارد باشد:

- ۱- طول کشیدن تشکیل پرونده های مقدماتی و خدمات قضایی در کلانتری از ۱ ساعت بیشتر؛
- ۲- طول کشیدن تشکیل پرونده های مقدماتی و خدمات قضایی در کلانتری در صورت نیاز به تحقیق محلی از ۳ ساعت بیشتر؛
- ۳- طول کشیدن تشکیل پرونده مقدماتی قتل، خودکشی و فوت از ۲ ساعت بیشتر؛
- ۴- طول کشیدن ارجاع پرونده مقدماتی به مشاوره و مددکار اجتماعی از ۳ ساعت بیشتر؛
- ۵- طول کشیدن ارجاعات قضایی (حکم جلب و تحقیق و ابلاغ و ...) از ۲۴ ساعت بیشتر؛

این همه مواردی نیست که می توانید به سامانه ۱۹۷ گزارش کنید. پلیس ممکن است تخلفات یا سوء رفتار متعددی داشته باشد. پس موارد زیر را نیز می توان گزارش کرد:

- ۱- تقاضای مدارک بی مورد در کلانتری یا پلیس راهور یا هر نوع پلیس دیگر؛
- ۲- تعویق در پاسخگویی در هر محیط انتظامی، به بهانه صرف صبحانه، نهار یا برگزاری مراسم؛
- ۳- افشای اطلاعات یا موضوع پرونده شما توسط کارکنان نیروی انتظامی؛
- ۴- تغییر موضوع شکایت شما توسط مامور نیروی انتظامی بدون اطلاع شما؛

- ۵- پرهیز از عودت وسایل و مدارک شخصی شما توسط پلیس؛
- ۶- مفقود شدن مدارک شما در زمان مراجعه و تحویل به کلانتری؛
- ۷- عدم رعایت حقوق شهروندی و استفاده از الفاظ نامناسب توسط پلیس؛
- ۸- برخورد فیزیکی پلیس؛
- ۹- سهل انگاری پلیس در اجرا یا ابلاغ احکام قضایی؛
- ۱۰- موکول کردن کار شما به فردا؛
- ۱۱- کم و زیاد شدن اوراق پرونده شما؛
- ۱۲- مطالبه نامشروع و غیرقانونی از جمله رشوه؛

علاوه بر سامانه ۱۹۷ که متعلق به بازرسی نیروی انتظامی است، سامانه ۱۱۶ متعلق به حفاظت اطلاعات ناجا نیز به سوءرفتار پلیس ورود می کند، پس موارد تخلف پلیس را به این سامانه نیز می توان گزارش کرد. این سامانه البته به موارد مهم تر و کلان تر رسیدگی می کند.

چند درصد شکایات واصله از پلیس به سوءرفتار آنان باز می گردد؟

آمار دقیق و مستندی از میزان شکایات مردمی از عملکرد پلیس و دلایل شکایات ثبت شده در دست نیست. سردار احمدی مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی پیشتر اعلام کرده که ۷۰ درصد شکایات مردم از پلیس به سوءرفتار پلیس باز می گردد. سردار احمدی مقدم دلیل شکایت مردم از پلیس و سوءرفتار کارکنان نیروی انتظامی را اینگونه برشمرده است:

- سردی و احساس وظیفه نکردن پلیس
- پرخاشگری هایی در برخورد با مردم توسط پلیس، ناشی از فشار و استرس کاری؛
- کم توجهی، پایین بودن وجدان کاری، برخورد غیر محترمانه و ضرب و شتم و اهانت؛

آیا پلیس می تواند بدون حکم قضایی ورود کند؟

خیر؛ پلیس ضابط قضایی است و بدون دستور قضایی نمی تواند راسا دخالت کند، مگر در مواردی که جرم مشهود در جامعه اتفاق افتد. در چنین حالتی پلیس به منظور جلوگیری از گسترش جرم یا برای پیشگیری از بین رفتن آثار جرم و فرار مجرم، می تواند دخالت کند. پس شرط ورود و مداخله پلیس این است که:

- ۱- پلیس دستور قضایی داشته باشد؛

۲- جرم مشهود در منظر عموم در حال وقوع باشد؛

۳- امکان از بین رفتن آثار جرم و فرار مجرم وجود داشته باشد؛

نکته مهم این است که در هیچ یک از این موارد، پلیس حق مجازات متهم در صحنه وقوع جرم، ضرب و شتم و اعمال خشونت، ندارد. وظیفه پلیس بازداشت مجرم و تحویل آن به مراجع قضایی با رعایت حقوق متهم است.

آیا فیلم گرفتن از پلیس در حین سوءرفتار عملی مجرمانه است؟

خیر؛ تصویربرداری از پلیس در حین سوءرفتار و یا اقدامی غیر قانونی، از حقوق مردم در نظارت بر مسئولان است و نمی‌توان، عمل مجرمانه به تصویربردار منتصب کرد. تصویربرداری تنها در سه مورد جرم تشخیص داده شده است:

۱- تصویربرداری از حریم خصوصی افراد (قانون سمعی و بصری)؛

۲- تصویربرداری از استحکامات نظامی و امنیتی (مطابق ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی)؛

۳- تصویربرداری و ارسال به اتباع بیگانه و دول متخاصم با هدف اقدام علیه جمهوری اسلامی (قانون همکاری با دولت متخاصم)؛

بنابراین تصویربرداری از سوءرفتار پلیس و انتشار آن، نه تنها جرم نیست، بلکه انجام وظیفه نظارتی شهروندان و تحقق ایده شهروند مسئولیت‌پذیر است. ضمن اینکه می‌تواند مصداق امر به معروف و نهی از منکر نیز باشد.

سند تحول قضایی

سند تحول قضایی اگرچه نظر به آینده و طرح‌ها و برنامه‌های دستگاه قضایی برای ایجاد تحول در این قوه دارد ولی در نظر داشتن مفاد مرتبط آن با حقوق کودکان و سوءرفتار ضابطان قضایی و زندانبانان می‌تواند سندی قابل اتکاء برای پیشگیری از تضییع حقوق کودکان باشد.



راهبرد ۵ این سند بر پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران بازداشتگاهها و تحت نظرگاه ها نظر دارد و این راهکارها را ارائه می کند:

۱- توسعه نظارتها بر رفتار مأموران بازداشتگاهها و تحت نظرگاهها به منظور رعایت حقوق افراد بازداشت شده یا تحت نظر و اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی با روش هایی نظیر ضبط صدا و تصویر بازداشتگاهها و تحت نظرگاهها با حفظ محرمانگی دادهها و ایجاد دسترسی برای مراجع نظارتی، تقویت بازرسیهای موردی، فراهم سازی امکان گزارش دهی اشخاص به مراجع نظارتی قوه قضائیه با حفظ محرمانگی هویت و تسهیل شکایت به مراجع قضائی نسبت به شرایط نگهداری

۲- معاینه پزشکی افراد بازداشت شده همزمان با پذیرش در محل بازداشت و ثبت هوشمند و سیستمی مشخصات پزشک و نتایج معاینه به صورت کامل در پرونده و امکان دسترسی فرد بازداشت شده به پرونده پزشکی

۳- سومین چالش عمده ای که در این سند مورد توجه قرار گرفته ناکافی بودن اقدامات انجام شده در حوزه کودکان است و تصریح دارد که حقوق برخی از اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره آمیز تضییع می شود از این حیث ۳ راهبرد را به این شرح پیشنهاد می کند:

راهبرد ۱: تقویت شناسایی و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر

راهکار پیشنهادی برای حل این مشکل: «اجرای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با تقویت نظارت قضائی بر فرایند شناسایی، پذیرش، نگهداری، حمایت و توانمندسازی اطفال و نوجوانان در معرض خطر با تعیین شاخصهای مرتبط و تشکیل دفاتر حمایت از اطفال و نوجوانان»

راهبرد ۲: توسعه ظرفیت های حمایتی از اطفال و نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست راهکارها:

راهکارهای پیشنهادی برای حل این مشکل:

۱- تسهیل واگذاری سرپرستی اطفال و نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست به خانواده های جایگزین مناسب از طریق تمهید اقداماتی نظیر متناسب سازی ضمانت های مالی، تقویت نقش مددکاران برای تشخیص واگذاری سرپرستی و تسریع فرایند احراز صلاحیت سرپرست و متنوع سازی شیوه های سرپرستی مانند ارتقاء ظرفیت امین موقت، نگهداریهای موقت و سرپرستی توافقی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط

۲- پیگیری فراهم سازی امکان نگهداری دختران و پسران بدسرپرست و بی سرپرست در مراکز نگهداری تازمان اشتغال یا ازدواج توسط دستگاههای مسئول با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط

۳- تعیین تکلیف و اخذ تصمیم مناسب در خصوص نگهداری یا واگذاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر قبل از بازداشت یا زندانی شدن سرپرست خانواده

راهبرد ۳: افزایش تبعات رهاسازی فرزندان

دریافت هزینه نگهداری اطفال و نوجوانان بدسرپرست از والدین برخوردار با برداشت مستقیم و استیفا از دارایی و اموال ایشان و تفکیک یارانه اطفال تحت سرپرستی سایر اشخاص با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط



تابستان ۱۴۰۰